

میمون‌ها جور و جورند



گفتم، گفتی گفت



شامپانزه

گفتم: آهای شامپانزه، چرا بالا و پایین می‌پری و آدا در می‌آوری؟
گفت: من که آدا در نمی‌آورم! من فقط دارم به مامانم می‌گویم که دلم موز می‌خواهد.

فهمیدم: شامپانزه‌ها بسیار باهوشند. آن‌ها، با آدا و حرکت‌های جور و جور، حرف خود را می‌گویند.

میمون

گفتم: میمون کوچولو، شاخه‌ی درخت را نکش. شاید بشکنند و بیفتی زمین.

گفت: من که شاخه‌ها را نمی‌کشم! دست‌هایم را به آن‌ها می‌گیرم و تاب می‌خورم.
فهمیدم: میمون‌ها دُمشان را به شاخه‌ی درخت گره می‌کنند. با دست‌هایشان شاخه‌های دیگر را می‌گیرند و از یک درخت به درخت دیگر می‌پرند.



گوریل

گفتم: آقا گوريله، چرا تنها نشسته‌ای؟ خجالت نکش، بیا پیش دوستانت!

گفت: نه من، خجالت نمی‌کشم. تنها هم نیستم. پیش خانواده‌ام هستم.

فهمیدم: گوریل‌ها حیواناتی آرام و مهربان هستند. آن‌ها دوست دارند همیشه کنار خانواده‌شان باشند.

